**حوسیان و حوسه**

**بهروزی، علی نقی**

در صفحهء 18 اولین شمارهء سال جدید مجلهء یغما مشاهده گردید که آقای مجتبی مینوی از مرحوم‏ علامهء قزوینی در اطراف کلمهء«مشکوکه حوسبان»پرسشی فرموده‏اند و آن مرحوم حدس زده‏اند که‏ «حوسبان مصحف کلمهء خنیاگر باشد».

با اینکه مقام شامخ علامهء فقید بقدری رفیع است که نسبت بنظریات صائب ایشان در ادب و معارف نمی‏توان تردید کرد ولی متأسفانه در اینمورد ظاهرا حدسشان صحیح نیست که«خنیاگر» به«حوسیان»تبدیل و تصحیف یافته باشد زیرا که تلفظ و حروف این دو کلمه با هم هیچ شباهتی ندارند و میان آن دو تفاوت از زمین تا آسمان است.پس حوسیان چیست؟

در بنادر خلیج فارس اعمالی مرسوم و متداول است که آنرا«حوسه»نامند و آن عبارت از این‏ است که در عروسی‏ها و ختنه سوریها و جشنها عده‏ای پیشاپیش سوریها حرکت میکنند-اینها هر یک‏ چوبی بطول در حدود دو متر در دست دارند و هر چند از مدتی آنرا بشکل خاصی در هوا حرکت‏ میدهند و پای‏کوبان و دست افشان اشعار و تصانیف مهیج و تشویق‏آمیزی که مبین سرور و شادمانی‏ است میخوانند و دستک میزنند.گاهگاهی هم چوبها را بهم میزنند و یا یکی چوب خود را افقی‏ میگیرد و سایرین چوبهای خود را روی آن میزنند.این عمل ار حوسه و یا یزله نامند.

ممکن است حوسه در مجالس ثابت نیز صورت بگیرد-در اینصورت حوسه‏کنندگان در وسط میدان و یا حیاط منزل همان اعمال را انجام میدهند.این عمل که واقعا هم مهیج است از رسوم و عادات‏ «اعراب»است که ببنا در ایران سرایت کرده زیرا که در بنادر عربستان واقع در اطراف خلیج‏ فارس هم معمول و متداول است.در ادوار باستان عمل حوسه در جلو لشکریان و مخصوصا هنگام‏ جنگ و نبرد برای تهیبج و تشجیع سپاهیان صورت میگرفته و خیلی مؤثر بوده است.

بنابراین کلمهء حوسیان که در تاریخ حمزهء اصفهانی آمده جمع حوسه‏کنندگان است و حتما از حوسه عربی اقتباس شده و مقصود حوسه‏کنندگانی بوده که در جلو لشکر و یا روز نبرد حوسه‏ و لشکریان را تهبیج میکرده‏اند.عباراتی هم که علامهء فقید نقل کرده است مؤید این معنی است.

و اما اگر در حوسیان و حوسه تحریف و یا تصحیفی رخ داده باشد بنظر من باید در املاء آن باشد زیرا که من خیال میکنم حوسیان و حوسه با هاء هوز است نه با حاء حطی-و باید از «هوس»اشتقاق یافته باشد و معنی آن«بهوس انداختن»است زیرا که هوسه‏کنندگان چه در شادیها و چه در جنگها مردم را بهوس میاندازند.یکی از معانی«هوس»نوعی از جنون و خفت‏ عقل است(رجوع شود به المنجد)و چون این عمل از اشخاص عاقل سر نمیزند و در واقع نوعی‏ «جنون و سبک مغزی است»خود دلیل دیگری است که املاء این کلمه باید با هاء هوز باشد.

از اینکه املاء این کلمه را«حوسه»یا«هوسه»بدانیم بهر صورت باید تصدیق کرد که حوسیان(که جمع حوسه‏کنندگان است)مصحف کلمه فارسی نیست بلکه این کلمه اصلا عربی است‏ و بهمان معنائی بوده که هم اکنون در بنادر خلیج فارس(هم بنادر عربستان و هم بنادر ایران) معمول و متداول است.